

**Analysis of the nature of market economic balance from the perspective of political and economic issues  
in the field of contracts of Iran's oil and gas industry**

Abstract

The main purpose of this article is to explain one of the legal methods of maintaining the economic balance formed during the conclusion of international investment agreements in the upstream operations of oil and gas contracts from the perspective of Iranian law, which in the literature of oil and gas law entitled "Condition It is called "economic balance". During the implementation of a sample of upstream international oil and gas contracts may be political and social changes, wars, regional and international conflicts and turmoil, financial and currency fluctuations, sharp rise and fall in prices, economic crises, foreign sanctions, changes Geology and the environment, change of governments and laws and regulations. Sometimes these events lead to a fundamental change in the circumstances of the time of the contract and upset the economic balance and make it very difficult to implement and require high costs. . Therefore, the present study, using a descriptive-analytical method, seeks to answer the question that what effect can a fundamental change in the circumstances of the time of concluding the contract have on the implementation of this group of contracts? In general, in the event of a fundamental change in circumstances, three effects of dissolution, termination or adjustment may occur. Liquidation can not occur as one of these effects in upstream contracts because a fundamental change in the inherent conditions of the contract will lead to its dissolution, while the balance of exchanges or the manner of performance of the contract are not inherent. Moreover, due to the extraordinary importance of these contracts for the parties, this solution is neither legally nor logically acceptable. On the other hand, due to the non-refusal to execute the contract and the fact that it is only difficult, the solution of terminating the contract is not acceptable.

Keywords: oil and gas contracts, economic equilibrium condition, economic stabilization condition, contract modification, change of circumstances.

## تحلیل ماهیت تعادل اقتصادی بازار از منظر مسائل سیاسی اقتصادی در حوزه قراردادهای صنعت نفت و گاز ایران

مهدی غفوری زاد<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

حسن پاک طینت<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

## چکیده

هدف اصلی مقاله حاضر، تبیین یکی از روش‌های حقوقی حفظ تعادل اقتصادی شکل گرفته در زمان انعقاد قراردادهای بین‌المللی سرمایه‌گذاری در بخش عملیات بالادستی قراردادهای حوزه نفت و گاز از منظر حقوق موضوعه ایران است که در ادبیات حقوق نفت و گاز تحت عنوان «شرط تعادل اقتصادی» از آن یاد می‌شود. در طول اجرای یک نمونه از قراردادهای بین‌المللی بالادستی حوزه نفت و گاز ممکن است تغییرات سیاسی و اجتماعی، جنگ‌ها، منازعات و آشوب‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تغییرات و نوسانات مالی و ارزی، افزایش و کاهش شدید قیمت‌ها، بحرانهای اقتصادی، تحریم‌های خارجی، تغییرات زمین‌شناسی و زیست‌محیطی، تغییر دولت‌ها و قوانین و مقررات واقع شوند. گاهی این حوادث منجر به تغییر بنیادین اوضاع و احوال زمان انعقاد عقد شده و باعث برهم خوردن تعادل اقتصادی آن گردیده و باعث می‌شود اجرای آن بسیار دشوار گردیده و نیاز به هزینه‌گزار داشته باشد. از این رو پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی بدنبال پاسخ به این سوال است که تغییر بنیادین اوضاع و احوال زمان انعقاد عقد چه تاثیری می‌تواند بر اجرای این دسته از قراردادها داشته باشد؟ به طور کلی در صورت تغییر بنیادین اوضاع و احوال سه اثر انحلال، فسخ یا تعدیل ممکن است واقع شود. انحلال نمی‌تواند به عنوان یکی از این آثار در قراردادهای بالادستی رخ دهد به این دلیل که تغییر بنیادین در شرایط ذاتی عقد موجب انحلال آن خواهد شد در حالی که تعادل عوضین یا نحوه اجرای عقد در زمره شرایط ذاتی قرار نمی‌گیرند. ضمن اینکه به دلیل اهمیت فوق‌العاده این قراردادها برای طرفین این راهکار نه از نظر حقوقی و نه از نظر منطقی قابل پذیرش نمی‌باشد. از سویی، با توجه به ممتنع نشدن اجرای قرارداد و تنها دشوار شدن آن راهکار فسخ قرارداد نیز قابل پذیرش نیست.

واژگان کلیدی: قراردادهای حوزه نفت و گاز، شرط تعادل اقتصادی، شرط تثبیت اقتصادی، تعدیل قرارداد، تغییر اوضاع و احوال.

<sup>۱</sup>(نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان (خوراسگان)، ایران. [mehdighafoori1372@gmail.com](mailto:mehdighafoori1372@gmail.com)

<sup>۲</sup>استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان (خوراسگان)، ایران. [Paktinat\\_hasan@yahoo.com](mailto:Paktinat_hasan@yahoo.com)

قراردادهای نفتی متفاوتی از سوی متعاقدين مورد استفاده قرار گرفته اند که معمولاً با مسائل سیاسی کشورها ارتباط تنگاتنگ داشته اند. در بیشتر موارد چگونگی امتیازات و قراردادهای نفتی همراه با مناقشات و مجادلات بسیار بوده است. دلیل این امر میتواند به این موضوع برگردد که نفت ثروت ملی هر کشوری محسوب میشود و اکثر کشورهای نفت خیز وابستگی شدیدی به درآمدهای حاصل از آن دارند. از این رو حساسیت مردم و سیاستمداران کشورها نسبت به اینکه نفت را به چه کسانی خواهند داد قابلتوجه است. در ایران به دلیل وابستگی اقتصاد به درآمدهای حاصل از صدور نفت خام و گاز طبیعی، انجام برنامه‌ریزی‌های بلندمدت در بخش نفت و گاز به خصوص توسعه میدان‌های مشترک ضرورتی غیرقابل اجتناب است. در این زمینه یکی از مباحث بسیار مهم موضوع سرمایه‌گذاری و تامین منابع مالی به منظور اکتشاف و بهره‌برداری از میدان‌های نفتی و گازی استاز طرفی انعقاد قراردادهای صنعت نفت و گاز امری کاملاً فنی است که با نظم سیاسی، حقوقی و اقتصادی کشورهای صاحب نفت و گاز ارتباط نزدیکی دارد. نیاز روز افزون صنایع به انرژی نفت و گاز اهمیت قراردادهای نفتی را دو چندان مینماید. از سوی دیگر کشف، استخراج، تولید و بهره‌برداری از نفت صرف هزینه‌های هنگفتی را به همراه دارد. بر این اساس، آثار حقوقی این نوع قراردادها و ایجاد انگیزه جهت سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز از اهمیت بالایی برخوردار است.

یکی از مهمترین دغدغه‌های طرفین قراردادهای نفتی باقی ماندن ثبات این توافقات در طول دوره اجرای پروژه میباشد. طولانی مدت بودن قراردادهای نفتی که یکی از ویژگی‌های غالب این قراردادها است باعث می‌شود این توافقات همواره در معرض تغییرات گوناگون قرار بگیرند. طرفین معمولاً بر اساس پیش فرض‌هایی به انعقاد قرارداد دست می‌زنند اما هیچ کدام از این پیش فرض‌ها را نمیتوان قطعی و غیرقابل تغییر دانست. شرایط سیاسی، اقتصادی، فنی و سرمایه‌گذاری همواره در حال تغییر میباشند و همین امر میتواند به روابط قراردادی طرفین آسیب جدی وارد نماید. تغییرات سیاسی و اقتصادی میتواند ارزیابی‌های اقتصادی پروژه را با عدم قطعیت روبرو نماید، همینطور شرایط فنی و پیچیدگی‌های زمین‌شناسی و ساختمانی میتواند شرایط را بر خلاف انتظار و پیش بینی طرفین رقم بزند. فشارهای خارجی مانند تحریم‌ها یا درگیری‌های داخلی و خارجی نیز در بسیاری از موارد کار را برای ادامه اجرای قرارداد مشکل و طاقت فرسا مینماید. توجه به این نکته ضروری است که تغییرات بخشی از قرارداد محسوب شده و راه‌گریزی از آنها وجود ندارد به خصوص در قراردادهای طولانی مدت که هر چه مدت قرارداد بیشتر باشد امکان وقوع تغییرات در شرایط زمان انعقاد بیشتر خواهد بود. اما برخی اوقات این حوادث، غیرقابل پیش بینی بوده و باعث ایجاد تغییرات بنیادین در شرایط زمان انعقاد عقد میشوند به صورتی که اجرای تعهد را برای متعهد بسیار مشکل کرده یا نیازمند هزینه‌های گزاف مینماید به گونهای که تعادل اقتصادی قرارداد برهم خورده و اجرای قرارداد متعهد را در شرایط دشوار قرار خواهد داد.

تغییرات جهانی بازار سرمایه و افزایش یا کاهش شدید قیمت‌ها، نوسانات و بحران‌های اقتصادی، آشوب‌ها، جنگ‌ها و اختلافات قومی و بین‌المللی، تحریم‌های بین‌المللی، تغییرات سیاسی و اجتماعی، وقوع تغییرات محیطی و فنی و تغییرات

قوانین و مقررات حاکم بر قرارداد همگی از جمله مواردی هستند که میتوانند ثبات قرارداد را برهم زده و شرایط اولیه انعقاد قرارداد را به طور اساسی و بنیادین دگرگون سازند. هرچه قرارداد برای مدت طولانی تری تنظیم شده باشد احتمال بیشتری برای قرار گرفتن در معرض این تغییرات وجود خواهد داشت. در چنین حالتی ممکن است یا شرایط به گونه ای تغییر نماید که متعهد به طور کلی امکان اجرای تعهد را از دست بدهد، به صورتی که قادر به اجرای تعهد نباشد یا اینکه اجرای تعهد برای وی بسیار دشوار شده و اجرای تعهدات تنها با صرف هزینه گزاف و دشواری خارج از متعارف امکانپذیر باشد؛ در این حال با وجود اینکه همچنان امکان اجرای تعهد وجود دارد اما شرایط به گونه ای خارج از تصور و غیرقابل پیشبینی تغییر نموده و به انتظارات طرفین در مورد انعقاد قرارداد به طور کلی خدشه وارد نموده است.

ضرورت پرداختن به موضوع تاثیر تغییر بنیادین اوضاع و احوال بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت ناشی از این امر می باشد که قوانین ایران در زمینه تغییر اوضاع و احوال فاقد هر گونه مقرر صریح یا ضمنی بوده و متاسفانه رویه قضایی نیز در این مورد در دسترس نمیباشد. این امر در قراردادهای بالادستی صنعت نفت که در زمره مهمترین قراردادهای منعقد شده در کشور میباشد تاثیر منفی بیشتری بدنبال دارد زیرا به دلیل طبیعت خاص این قراردادها از یکسو و قرار گرفتن ایران در منطقه جغرافیایی پر تنش و همینطور تغییرات غیرقابل پیشبینی جامعه جهانی از دیگر سو وقوع حوادث غیرقابل پیشبینی، همواره امکان دگرگون کردن شرایط را فراهم مینماید؛ اما متاسفانه قراردادهای بالادستی منعقد شده تا کنون فاقد هر گونه راهکار برای مقابله با این شرایط میباشد ضمن اینکه امکان استناد به قوانین مدون به دلیل فقدان چنین مقرراتی وجود ندارد. این امر میتواند ضمن تاثیر گذاردن بر قرارداد، موجب تاثیرات منفی بر نظام اقتصادی و به تبع آن تاثیرات ناخوشایند بر سایر ارکان جامعه گردد. از این رو بررسی آثار این تغییرات و یافتن راهکارهای مناسب حقوقی میتواند در بر طرف نمودن مشکلات موجود و حفظ ثبات و تعادل قراردادها کمک نموده ضمن اینکه موجبات آرامش خاطر متعاقدین را نیز فراهم آورد.

در این بررسی سعی شده تمام منابع فارسی مربوطه و جدیدترین منابع بین المللی در مورد تاثیر تغییر اوضاع و احوال بر صنایع بالادستی صنعت نفت مورد توجه قرار بگیرد. پژوهشهای بسیاری در زمینه تغییر اوضاع و احوال در قراردادها از سوی حقوقدانان و صاحب نظران، انجام گرفته است، همانگونه که در خصوص قراردادهای بالادستی صنعت نفت با بررسی های بسیاری روبرو میشویم اما در واقع پژوهشهای پیشین هر کدام تنها بخشی از موضوع را مورد کنکاش و بررسی قرار دادهاند اما پژوهشی که همزمان به هر دو جنبه موضوع پرداخته باشد یافت نگردید. چند مورد رساله و پایان نامه که با موضوع ارتباط نزدیکی داشتند:

سریر، فرزانه (۱۳۹۳) در رساله دکتری به تحلیل تحولات حقوقی - قراردادی، قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز پرداخته که که این پژوهش تنها به تحول این قراردادها از ابتدا تاکنون پرداخته و اشاره ای به تاثیر تغییر شرایط بر این قراردادها نداشته است.

عباسی، محسن (۱۳۹۱) در مورد تغییر بنیادین اوضاع و احوال بر قراردادهای تجاری بین المللی با تکیه بر داوری بین المللی بررسی نموده است.

جعفری، سوده (۱۳۸۸) به بررسی تطبیقی تغییر اوضاع و احوال و تاثیر آن بر قرارداد پرداخته است. این پایان نامه در خصوص شرایط کلی تغییر اوضاع و احوال، آثار و مقایسه آن با عناوین مشابه همانند فورس ماژور و عقیم سازی صحبت نموده است. حسینی الست، احمد رضا (۱۳۷۹) در خصوص بررسی اصل تغییر بنیادین اوضاع و احوال به عنوان یک اصل کلی حقوقی پژوهش نموده است.

فرضیات تحقیق عبارتند از:

۱- تغییر بنیادین اوضاع و احوال زمان انعقاد عقد به گونه ای که منجر به دشوار شدن اجرای قرارداد و برهم خوردن تعادل اقتصادی آن گردد اما اجرای تعهد را غیرممکن ننماید، طرفین را وادار به مذاکره و اقدام به بازبینی شروط قراردادی مینمایند. این امر در نهایت می تواند منجر به تعدیل شروط قرارداد و برگرداندن تعادل اقتصادی به آن گردد.

۲- در نظام حقوقی ایران با خلا و نقص‌قوانین در این زمینه مواجه هستیم و با وجود انعقاد قراردادهای بالادستی نفتی متعدد، راه حل صریح و مطلقی در قوانین ایران یافت نمیشود.

۳- با توجه به قرار گرفتن قراردادهای بالادستی صنعت نفت در زمره قراردادهای دولتی به نظر میرسد در برخی موارد دولت میزبان از امتیازات بیشتری نسبت به شرکت سرمایه گذار خارجی برخوردار بوده و در مواردی با استناد به رعایت مصلحت عمومی توانایی فسخ قرارداد را داشته باشد.

روش تحقیق

این مقاله به صورت توصیفی و تحلیلی تنظیم شده است. اطلاعات و داده های رساله، کتابخانه ای بوده و از مقالات، اسناد، منابع اینترنتی و آرای محاکم استفاده شده و با استفاده از قواعد حقوقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. روش تحلیلی مبتنی بر استنباط حقوقی بوده که البته نگرش موضوع در مواردی تطبیقی بوده و با توجه به مقررات بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها و مقایسه با حقوق داخلی بررسی های لازم صورت گرفته و پیشنهاداتی جهت تصویب و اصلاح قوانین و ارتقاء سطح قراردادهای بالادستی صنعت نفت ارائه میگردد. یکی از مشکلات تحقیق، عدم دسترسی یا دسترسی دشوار به برخی کتب و مقالات انگلیسی میباشد. همچنین با توجه به اینکه قراردادهای بالادستی صنعت نفت عمدتاً محرمانه بوده و به طور عمومی انتشار پیدا نمی کنند دسترسی به بسیاری از جزئیات غیرممکن میباشد.

اصول حاکم بر قراردادهای بالادستی

با وجود تفاوت هایی که در ساختار قراردادهای بالادستی وجود دارد که باعث متمایز شدن آنها از همدیگر می شود این قراردادها از یکسری اصول و قواعد مشترک پیروی می نمایند که می توان گفت در تمام قراردادها به انواع مختلف رعایت میشوند. این اصول را می توان به چند دسته کلی تقسیم نمود که به طور خلاصه به یک مورد از آنها اشاره مینمایم.

در ایران با توجه به قوانین از جمله اصول ۴۵، ۴۴، ۴۳ و ۸۱ قانون اساسی، بند ج ماده ۳ قانون اجرای سیاست های اصل ۴۴، بند ۳ ماده ۱۲۵ قانون برنامه پنجم توسعه و تبصره ماده ۱۲۵ قانون برنامه پنجم توسعه، بند (۳) ت ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت. و مقررات موجود مالکیت منابع نفتی در اختیار دولت بوده و امکان انتقال مالکیت آنها به بخش خصوصی اعم از داخلی و خارجی وجود ندارد و این امر به عنوان یک اصل کلی بایستی در تمام قراردادهای منعقد شده در صنعت نفت مورد توجه قرار بگیرد. بر اساس قانون اساسی اعطای هر بخشی از مالکیت و حاکمیت میدان های نفت و گاز به هر طریقی غیرممکن بوده و شرکت های بین المللی حق سرمایه گذاری هایی که در مقابل به دریافت امتیاز یا حق مالکیت منابع هیدروکربوری منجر بشود را نخواهند داشت (ابراهیمی و شیرجیان، ۱۳۹۳: ۱۲).

در تعریف حاکمیت آمده است: "قدرت عالی ای است که اولاً، برای کشور و مردم آن اقتدار و برتری بلامنازع دارد، به ترتیبی که همگان در داخل کشور از آن اطاعت کنند و ثانیاً، کشورهای دیگر آن را به رسمیت شناخته و مورد احترام قرار دهند." (هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۷).

#### ماهیت حقوقی قراردادهای بالادستی

در مورد ماهیت و وضعیت حقوقی قراردادهای نفتی در میان حقوق دانان اتفاق نظر وجود ندارد. در تمامی قراردادهای نفتی دولت یا شرکت ملی نفت از جانب دولت اقدام به انعقاد قرارداد با یک شرکت خارجی مینماید. شرکت های سرمایه گذار خارجی معمولاً به صورت مستقل و بدون وابستگی به دولت متبوع خود، وارد این قراردادها میشوند. از سویی موضوع این قراردادها، استخراج و بهره برداری از منابع نفت و گاز میباشد که در مالکیت عموم و در اختیار دولت میباشد. از این رو این قراردادها هم از نظر موضوع و هم از نظر طرفین قرارداد در وضعیت خاص و ویژه ای قرار میگیرند (اخلاقی و صحرانورد، ۱۳۹۲: ۴۵).

دولت میزبان به هیچ وجه حق تغییر قرارداد یا انحلال آن را نخواهد داشت و در صورت اقدام، مسئولیت بین المللی برای دولت ایجاد خواهد شد. میتوان گفت قواعد حقوق بین الملل بر روابط میان دولت ها و سازمان های بین المللی حاکم می باشد (ایران پور، ۱۳۸۲: ۵۳-۹۰). حال آنکه شرکت های سرمایه گذار نفتی را نمی توان به عنوان سازمان بین المللی قلمداد نمود و در نتیجه نمی توان قواعد بین المللی را بر آن حاکم دانست.

#### ماهیت قراردادهای بالادستی در حقوق ایران

دائرة المعارف بین المللی حقوق تطبیقی نیز بعد از بررسی قراردادهای منعقد شده توسط دولت در کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا، انگلستان و آمریکا بدین صورت نتیجه میگیرد: "بارزترین امتیاز خاص دولت آن است که در مواردی که مصلحت عمومی اقتضا کند، اختیار پایان دادن به قرارداد را دارد. این اختیار گسترده امتیازات خاص دولت در نظام حقوق ملی است که وجود آن برای صیانت از اقتدار مقامات ملی لازم است." (امانی، ۱۳۹۳: ۱۶). از سویی توصیف قراردادهای توسعه اقتصادی بر

مبنای حقوق عمومی در قطعنامه های سازمان ملل و نیز اعلامیه های بین المللی مانند اعلامیه سیاست گذاری نفتی اوپک نیز میتواند نشان دهنده ماهیت عمومی قراردادهای بهره برداری از منابع نفتی باشد (محبی، ۱۳۸۲: ۱۹).

البته باید توجه نمود حتی در فرض پذیرش اداری بودن قراردادهای نفتی و قدرت دولت میزبان در تغییر یا فسخ این قراردادها، نمیتوان دولت میزبان را دارای حقی نامحدود دانست. بلکه اعمال این حق، تنها در صورتی پذیرفته میشود که در مقام حفظ منافع ملی باشد. بنابراین دولت های میزبان نمی توانند این حق را به عنوان دستاویزی قرار داده و در هر شرایطی اقدام به فسخ قرارداد نمایند. همان گونه که در رای داوری در قضیه بی. پی (قرارداد نفتی دولت لیبی و شرکت بریتیش پترولیوم (اختصارا بی. پی)). چنین مقرر شد که اقدام دولت لیبی در ملی کردن قرارداد و لغو آن به دلیل انگیزه ها و ملاحظات سیاسی بوده و در نتیجه نامشروع میباشد (محبی، ۱۳۸۵: ۲۰). همانطور که ملاحظه میشود در اینجا دلیل لغو قرارداد، حفظ منافع ملی نبود بلکه هدف واقعی آن دلایل سیاسی بود بنابراین اقدام دولت غیرقانونی شناخته شد (همان منبع).

#### مصادیق تغییر بنیادین اوضاع و احوال

متعاقدين در انعقاد قرارداد شرایط بسیاری را مد نظر قرار داده و توافق خود را مبتنی بر آنها ایجاد مینمایند. در قراردادهای بزرگ بین المللی مانند قراردادهای نفتی این موضوع بارزتر می باشد. این قراردادها دارای اهمیت فراوانی است هم برای کشورهای میزبان که به نفت به عنوان یک سرمایه ملی می نگرند و هم برای شرکت های سرمایه گذار بین المللی که به دنبال کسب سود سرشار از این قراردادها می باشند؛ بنابراین به امور مختلفی از جمله شرایط اقتصادی، سیاسی، فنی و حتی قوانین حاکم توجه ویژه ای می شود. تغییر هر یک از امور میتوان باعث دگرگون شدن شرایط و تغییر توافق میان متعاقدين گردد.

مصادیق تغییر اوضاع و احوال در این قراردادها تحت عنوان ریسک یا خطر دسته بندی میشوند. گاهی اوقات ممکن است این خطرات در قرارداد پیش بینی شوند و در بسیاری از اوقات نیز امکان پیش بینی آنها وجود ندارد. آشنایی با ریسک های موجود در پروژه های نفتی میتواند به موفقیت این پروژه ها کمک نماید. به طور کلی میتوان گفت در پروژه های نفتی ما با عنصر عدم قطعیت روبرو هستیم زیرا از مرحله اکتشاف تا بهره برداری همواره عوامل خارجی تاثیر غیرقابل انکاری بر پروژه خواهند داشت و بسیاری از این عوامل مانند شرایط فنی و زمین شناسی، ارزیابی های اقتصادی، کیفیت محصول تولیدی و بسیاری عوامل دیگر با عدم قطعیت روبرو میباشند.

ریسک به معنی حادثه یا وضعیت غیرقطعی است که در صورت واقع شدن میتواند تاثیرات مثبت یا منفی بر اهداف پروژه داشته باشد (برخوردار احمدی و جمالی، ۱۳۹۶: ۴۱-۵۰). مدیران پروژه ها معمولا سعی می کنند قبل از انعقاد قرارداد از ریسک های موجود در آن مطلع شده (Pritchard 2015:15). و راهکارهای مقابله با آن را شناسایی نمایند و از این طریق سودآور بودن پروژه را بررسی نمایند. در واقع ریسک به وقایعی گفته میشود که ممکن است در آینده واقع شود و باعث ایجاد هزینه بسیار یا توقف در پروژه شود (Barners, 1983:p24-28).

عدم قطعیت از ویژگی ریسک‌ها محسوب می‌شود به این معنی که طرفین قرارداد نمیتوانند در مورد وقوع یا عدم وقوع آن اطمینان داشته باشند. در قراردادهای نفتی عدم قطعیت به حالتی گفته می‌شود که به دلیل نبود اطلاعات کافی، احتمال وقوع یک حادثه قابل اندازه‌گیری نمی‌باشد. مانند تغییرات نامنظم قیمت انرژی در جهان که نمیتوان آن را پیش‌بینی نمود و حتی نمیتوان آن را اندازه‌گیری کرد. این عدم قطعیت در قراردادهای طولانی مدت که ویژگی قراردادهای نفتی است بسیار بیشتر از قراردادهای کوتاه مدت می‌باشد (ابراهیمی، جواندل جانانلو، ۱۳۹۴: ۱۷-۳۶).

#### تغییر شرایط سیاسی

قراردادهای نفتی میان طرفینی با تابعیت‌های مختلف منعقد می‌شوند. در این قراردادها معمولاً شرکت‌های سرمایه‌گذار با تابعیتی متفاوت نسبت به دولت میزبان وارد قرارداد می‌شوند. یکی از شرایطی که میتواند تضمین‌کننده اجرای قرارداد باشد ثبات سیاسی طرفین به خصوص کشورهای میزبان می‌باشد. از آنجایی که کشورهای صاحب نفت غالباً از کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته می‌باشند گاهی اوقات دچار دگرگونی‌های سیاسی می‌شوند و این امر اثر مستقیمی بر قراردادهای منعقد شده خواهد گذاشت. یکی از نگرانی‌های شرکت‌های نفتی طرف قرارداد، تغییرات سیاسی است که گاهی اوقات منجر به انقلاب یا تغییر دولت می‌شود و این امر میتواند به عنوان تهدیدی بر اجرای قرارداد عمل نماید زیرا تغییرات یک جانبه در قرارداد بدنال تغییر شرایط سیاسی میتواند به عنوان آفتی بر قرارداد اثر منفی گذاشته و اجرای تعهد را برای متعهد دشوار و تعادل اقتصادی قرارداد را برهم بزند. ممکن است دولت میزبان در نظام حقوقی پروژه دخالت‌هایی داشته باشد و در نتیجه بر رابطه قراردادی طرفین تاثیر منفی بگذارد (زمانی و حسینی، ۱۳۹۱: ۳۴). مثلاً در مواردی دولت‌های جدیدی که روی کار می‌آیند تمایل دارند که قراردادهای سرمایه‌گذاری منعقد شده توسط دولت‌های پیشین را اصلاح نمایند بویژه اگر اتهاماتی مانند فساد یا استفاده از شیوه‌های نامناسب یا سوءاستفاده از مقام در انعقاد قرارداد نسبت به دولت سابق مطرح باشد (Kolo & W. Walde, 2000: P5-57). به طور کلی برای فعالیت در صنعت نفت، دولت‌ها چارچوب مشخصی را تعیین می‌نمایند و شرکت‌ها بر اساس این محدوده تعیین شده وارد قرارداد می‌شوند. بنابراین تغییر این چارچوب پس از انعقاد قرارداد میتواند منجر به اختلاف میان طرفین شود.

#### یافته‌های پژوهش

قراردادهای سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی نفت و گاز قراردادهایی هستند که میان دولت‌های مالک منابع نفتی از یک سو و شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی از دیگر سو منعقد می‌شوند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این قراردادها طولانی مدت بودن آنها می‌باشد به گونه‌ای که معمولاً اجرای پروژه‌های نفتی چندین دهه به طول میانجامد. همین ویژگی طولانی مدت بودن باعث می‌شود این قراردادها همواره در معرض حوادث و رخدادهایی قرار بگیرند که در زمان انعقاد قرارداد امکان پیش‌بینی و بررسی آنها برای طرفین قرارداد وجود نداشته است. در واقع یکی از مهمترین مسائلی که در قراردادهای بالادستی نفتی به چشم می‌خورد وقوع حوادث پیش‌بینی نشده‌ای است که منجر به برهم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد و دشوار شدن خارج از متعارف اجرای آن برای متعهد می‌گردد. از سویی در تهیه و تنظیم یک قرارداد نفتی مشکلات و ملاحظات خاصی وجود دارد.



این دسته از قراردادهای به منافع عمومی و ثروت های ملی کشور مربوط میشوند و در نتیجه قابل مقایسه با قراردادهای عادی منعقد شده با اشخاص حقوق خصوصی نمی‌باشند. تاثیر عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر آنها غیرقابل انکار میباشد ضمن اینکه توان مالی شرکت های سرمایه گذار خارجی طرف قرارداد نیز در مواردی نقشی تاثیرگذار بر قرارداد ایفا میکند. ویژگی ها و خصوصیات منابع نفت و گاز مانند تجدیدنپذیر بودن، محدودیت عرضه کنندگان این محصولات، یکسان نبودن هزینه های تولید در پروژه های مختلف و در عین حال وجود ریسک های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فنی باعث پیچیدگی و دشواری فراوان در تهیه و تنظیم یکقرارداد نفتی و انعقاد یک قرارداد جامع میگردد. بنابراین همیشه در زمان انعقاد قرارداد بررسی تمام حوادث و رخدادهای آینده و گنجاندن آنها در قرارداد غیرممکن میباشد.

بین المللی بودن قراردادهای نفتی باعث میشود تغییر شرایط و دگرگون شدن اوضاع و احوال و وقوع حوادثی همچون بحران ها، تحریم های بین المللی، نوسانات پولی و ارزی، تغییرات اقتصادی، تنش های سیاسی و اجتماعی بر آن ها تاثیر بسیاری بگذارد و در نتیجه این امر میتواند بر روابط میان متعاقدين و حقوق و تکالیف آنها، چگونگی اجرای تعهدات و در نتیجه منافع حاصل از قرارداد اثر منفی داشته باشد. تغییر بنیادین اوضاع و احوال باعث میشود اجرای قرارداد برای متعهد بسیار دشوار گردیده و تعادل اقتصادی قرارداد برهم بخورد. نکته قابل توجه تمایز میان تغییر اوضاع و احوال و قوه قاهره میباشد. در فرض وقوع قوه قاهره حوادث غیرقابل پیشبینی اجرای قرارداد را غیرممکن خواهند کرد به گونه ای که امکان ادامه اجرای تعهدات از متعهد گرفته میشود حال آنکه در بحث ما تغییر شرایط منجر به دشوار شدن اجرای تعهد و برهم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد خواهد شد اما همچنان شرایط برای ادامه اجرای قرارداد فراهم میباشد. قاعده اصلی و اولیه در قراردادهای معاملات لازم الوفاء بودن آنهاست که نتیجه آن ثبات قراردادهای و استحکام معاملات ایجاد شده است. بررسی اغلب نظام های حقوقی دنیا نشان میدهد که اصل لزوم قراردادهای به صورت گسترده ای پذیرفته شده است با این حال غالب این نظام ها بر این نظر میباشند که الزام متعهد به اجرای تعهد در وضعیت دشوار ایجاد شده و پایبندی به لزوم عقد قابل پذیرش نمیباشد. از سویی اگر قائل به لزوم اجرای قرارداد به همان صورت اولیه باشیم به نوعی باعث تشویق طرفین به نقض تعهد بوده ایم زیرا الزام متعهد به اجرای تعهد در شرایط بسیار دشوار و بدون توجیه اقتصادی در نهایت باعث میشود که وی از میان راه حل اجرای قرارداد با شرایط بسیار دشوار یا نقض آن و پرداخت خسارت راه حل دوم را برگزیند و برای رها کردن خود از چنین تعهد دشواری حاضر به فسخ قرارداد همراه با دادن خسارت شود. در چنین شرایطی سه راهکار از سوی حقوقدانان و نظام های حقوقی مختلف ارایه شده است. انحلال، فسخ یا مذاکره مجدد و در نتیجه تعدیل قرارداد که هر کدام از آنها دارای موافقان و مخالفانی میباشد. همانطور که بررسی شد انحلال قرارداد در مواردی قابل استفاده است که به طور کلی امکان اجرای قرارداد منتفی شده باشد حال آنکه در موضوع بحث ما تغییر اوضاع و احوال تنها منجر به دشواری اجرای تعهد شده و اما امکان اجرای آن از بین نرفته است. بعلاوه انحلال قرارداد در مواردی مطرح میشود که موضوع عقد یعنی در واقع شرایط ذاتی و اساسی آن منتفی شده باشد در حالی که تعادل قراردادی یا نحوه اجرای آن جزء شرایط ذاتی محسوب نمیشوند که از بین رفتن یا تغییر در آنها انحلال عقد را بدنبال داشته باشد. در مورد فسخ قرارداد نیز همانطور که اشاره شد در اغلب

قراردادهای بالادستی صنعت نفت موارد فسخ احصاء شده است و در این قراردادها اشارهای به امکان فسخ قرارداد به دلیل تغییر اوضاع و احوال نشده است بنابراین نمیتوان از فسخ قرارداد به عنوان نتیجه اولیه تغییر اوضاع و احوال نام برد ضمن اینکه بر اساس قواعد حقوقی، فسخ تنها در مواردی قابل استفاده است که اجرای قرارداد غیرممکن شده باشد. البته میتوان گفت در قراردادهای نفتی با توجه به اینکه در زمره قراردادهای دولتی قرار میگیرند و با توجه به اختیارات خاصدولت در این نوع از قراردادها دولت میزبان میتواند اقدام به فسخ قرارداد نماید که در قوانین بسیاری از کشورها این امر به صراحت مورد پذیرش قرار گرفته است (امانی، ۱۳۹۳: ۶۵).

اما به دلیل عدم اشاره صریح قوانین ایران به چنین اختیاری دولتر صورت فسخ قرارداد ملزم به به پرداخت غرامت به طرف مقابل خواهد بود که نسبت به مواردی که فسخ قرارداد مشروع میباشد مبلغ بسیار بیشتری خواهد بود. (الیاسی، ۱۳۸۲: ۱۹۲).

البته در موارد خاص مانند غیرممکن بودن تعدیل قرارداد، ممانعت قوانین دولتی از اعمال تعدیل و یا خودداری از اجرای حکم تعدیل امکان استفاده از فسخ قرارداد به عنوان راهکار نهایی وجود دارد. بنابراین راهکاری که در صورت تغییر بنیادین اوضاع و احوال مورد پذیرش بوده و میتواند مورد استفاده قرار بگیرد مذاکره مجدد و تعدیل قرارداد میباشد. مذاکره مجدد ممکن استدر زمان اجرای قرارداد و به صورت شرط در آن درج شده باشد یا در زمان تغییر اوضاع و احوال مورد توجه طرفین قرار بگیرد. بر مبنای مفاد این شرط طرفین ملزم به برگشت به میز مذاکره در صورت وقوع حوادث غیرقابل پیشبینی و تغییر اوضاع و احوال میباشد. اگر حادثی رخ دهد که منجر به عدم تعادل اقتصادی قرارداد گردد هر کدام از طرفین میتوانند برای مذاکره مجدد نسبت به شروط قرارداد و بازبینی آنها به طرف مقابل پیشنهاد دهد. به طور کلی این شرط شیوهای است برای بررسی و ارزیابی مجدد روابط طرفین در خصوص تغییراتی که در روابط اصلی طرفین بوجود آمده است (شیروی و شعبانی جهرمی، ۱۳۹۱: ۷). ضمن اینکه به این طریق طرفین میتوانند از گسترش دامنه اختلافات و بوجود آمدن اختلافات جدید ممانعت به عمل آورند. میتوان گفت مذاکره مجدد باعث انعطاف پذیر شدن قراردادها میشود به این دلیل که ضمن احترام به اصل لزوم قراردادها و جلوگیری از انحلال آنها در غالب اوقات منجر به رفع شرایط دشوار خواهد شد. امری که در قراردادهای نفتی بسیار حائز اهمیت میباشد و در نتیجه به طرفین امکان اصلاح مفاد قرارداد در صورت تغییر اوضاع و احوال را خواهد داد. به دلیل ویژگی خاص قراردادهای نفتی و عدم ثبات آنها در بسیاری موارد وجود شرط مذاکره مجدد میتواند منجر به برگرداندن ثبات در چنین قراردادهایی گردد. وجود این شرط در قراردادهای نفتی امکان ایجاد اختلاف را کمتر خواهد کرد، ضمن اینکه ریسک اقدامات یک جانبه دولت میزبان را نیز کاهش میدهند، بعلاوه امکان گنجاندن آنها در همه انواع قراردادهای نفتی وجود دارد. از سویی این شرط میتواند جانشین شیوه های ثبات قدیمی تر مانند شرط انجماد شود که به دنبال ایجاد نوعی تضمین برای قرارداد نسبت به اقدامات یک جانبه دولت مانند موارد تغییر قوانین و مقررات حاکم یا تغییر شروط قراردادی یا فسخ قرارداد بوده اند. زیرا این شروط دارای انعطاف پذیری کمتری نسبت به شروط مذاکره مجدد و تعدیل قرارداد می باشند. بر مبنای این شرط به طرف زیان دیده اجازه داده میشود درخواست بررسی مجدد قرارداد را مطرح نماید و خواهان تعدیل زیان های وارده به دلیل تغییر بنیادین اوضاع و احوال ناشی از وقوع حوادث خارج از کنترل گردد امری که اجازه میدهد هدف ادامه اجرای تعهدات قراردادی محقق گردد.

بنابراین حتی در صورت عدم درج این شرط در زمان انعقاد قرارداد میتوان وجود یکشرط ضمنی مبنی بر مذاکره مجدد را مفروض دانست که بر مبنای اصل حسن نیت و روابط متقابل ایجاد شده میان طرفین قابل توجیه می باشد و البته تعدد مذاکرات مجدد واقع شده در قراردادهای نفتی بدون وجود شرط صریح در قرارداد بر وجود این وظیفه ضمنی تاکید مینماید. الزام طرفین به مذاکره مجدد به معنی الزام آنها در رسیدن به توافق نمیشود اگرچه طرفین ملزم میباشند با رعایت حسن نیت سعی در بدست آوردن توافق نمایند. اما صرف نرسیدن به توافق نمیتواند مبنایی برای لزوم پرداخت خسارت از جانب آنها باشد زیرا عدم دستیابی به توافق به معنی نقض تعهدات قراردادی نمیشود. بنابراین نتیجه مذاکره مجدد میان طرفین میتواند تعدیل قرارداد باشد یا عدم دستیابی به توافق که در فرض دوم ممکن است اختیار تصمیم گیری در مورد قرارداد به دادگاه یا داوری سپرده شود. در طول دوره اجرای مذاکرات اجرای قرارداد نمیتواند متوقف شود مگر اینکه چنین پیشبینی در عقد صورت گرفته باشد با این حال میتوان این حق را برای زیاندرنده قائل شد که تقاضای اجرای حداقل تعهدات را در زمان اجرای قرارداد داشته باشد که پذیرش این تقاضا نیز با توجه به اصل حسن نیتی که حاکم بر قرارداد می باشد قابل توجیه است.

شرط دیگری که میتواند در زمان تغییر اوضاع و احوال در قراردادهای بالادستی نفتی مورد استفاده قرار بگیرد شرط تعدیل قرارداد میباشد. تعدیل قرارداد ممکن است در زمان انعقاد قرارداد و به صورت مختلف مانند شرط تعدیل قیمت یا شرط تغییر کار در قرارداد آورده شود یا بدون تعیین شیوه و روش تعدیل و به طور مطلق به آن اشاره شود. ضمن اینکه تعدیل به عنوان نتیجه مذاکره مجدد نیز میتواند واقع شود. الزام آور بودن قرارداد از طریق پابندی سختگیرانه به مفاد قرارداد ممکن است در نهایت به یک نتیجه غیرعادلانه منجر شود و تعدیل قرارداد از طریق مذاکره مجدد و بازبینی شروط قراردادی میتواند تضمین کننده عدالت در قراردادها باشد. ممکن است طرفین درباره شیوه تعدیل قرارداد توافق نموده باشند یا اینکه انجام آن را به طرف سوم مانند دادگاه یا دیوان داوری بسپارند. تعدیل از جانب شخص ثالث بوسیله معیارهایی مانند بی طرف بودن طرف ثالث، احترام به حفظ استقلال طرفین برای معین نمودن روابط آینده خود در قرارداد و اطلاع طرف سوم نسبت به روابط و پیچیدگی های قراردادهای طولانی مدت از یک سو و لزوم حفظ ثبات و تعدیل عادلانه از دیگر سو سنجیده میشود. میتوان گفت استفاده از روش تعدیل قرارداد دارای مزایای بسیاری میباشد که مهمترین آنها سازگاری با واقعیتهای تجاری میباشد. از سویی پذیرفتن انحلال قرارداد در صورت تغییر اوضاع و احوال در تعارض با اصل لزوم قراردادهاست و از دیگر سو با واقعیت های تجاری موجود نیز در تعارض میباشد. طرفین در قراردادهای نفتی با صرف هزینه های کلان و استفاده از منابع انسانی سعی دارند به هدف خود که همان اجرای پروژه نفتی میباشند دست پیدا کنند اگر در چنین حالتی حکم بر انحلال قرارداد داده شود نه تنها منجر به زیان های غیرقابل جبران خواهد شد بلکه میتواند به ثبات معاملات نیز آسیب جدی وارد نماید.

#### نتایج

با توجه به بررسی های انجام شده در خصوص قراردادهای بالادستی صنعت نفت همچنین تغییر اوضاع و احوال در قوانین و مقررات ایران و این دسته از قراردادها مشخص گردید که دلیل فقدان نص صریح قانونی در زمینه تغییر اوضاع و احوال و آثار

آن بر قراردادهای از سویی و عدم تصریح به این شرط در انواع قراردادهای منعقد شده به ویژه قراردادهای بیع متقابل که شیوه برگزیده در توافقات نفتی ایران میباشد نمیتوان تاثیر تغییر بنیادین شرایط را به صورت صریح و قطعی معین نمود. همچنین قوانین ایران در زمینه شرایط اعمال تعدیل توسط دادگاه یا داور و همچنین امکان استفاده از اختیارات خاص و ویژه دولت در قراردادهای نفتی ساکت بوده که این امر از نواقص قانون محسوب میشود به ویژه در خصوص قوانین بالادستی صنعت نفت که اجرای آن برای کشور حیاتی بوده و بسیاری از امور اقتصادی، اجتماعی و توسعه فنی به آنها وابسته میباشد. از این رو جهت رفع مشکلات و افزایش بازده قراردادهای نفتی در جهت تحصیل منافع مورد نظر پیشنهادات ذیل ارائه میگردد:

۱. با توجه به اینکه قراردادهای نفتی در زمره قراردادهای عمومی قرار میگیرند، تدوین مقررات و قواعد خاص در زمینه قراردادهای عمومی، ویژگی ها و مصادیق آنها الزامی به نظر می رسد تا ضمن تبیین حقوق و تکالیف طرفین، امتیازات خاص دولت مانند حق فسخ قرارداد و موارد استفاده آنها به روشنی معین گردد. همچنین بهتر است این اختیارات فوق العاده در قراردادهای بالادستی نفتی به صراحت معین گردند تا از اختلافات بعدی در این زمینه جلوگیری شود.
۲. به تمام مذاکره کنندگان و تنظیم کنندگان قراردادهای نفتی که در زمینه انعقاد قراردادهای بالادستی صنعت نفت فعالیت می نمایند پیشنهاد میشود نسبت به درج شرط تغییر اوضاع و احوال و احتمال وقوع حوادث پیشبینی نشده و راهکارها لازم در صورت وقوع آن اقدام نمایند تا کمتر شاهد ایجاد مشکل در این قراردادها باشیم. به منظور جلوگیری از وقوع اختلافات در آینده شایسته است طرفین، عوامل ایجاد کننده مذاکره و تکالیف طرفین در صورت عدم موفقیت مذاکرات را معین نمایند.
۳. به منظور ارائه راه حل های حقوقی و عادلانه مبتنی بر قواعد حقوقی و جلوگیری از تشتت آراء به دستگاه قانونگذار و مسئولین مربوطه پیشنهاد میشود مطابق با اقدامات سایر کشورها و نظام های حقوقی در خصوص تغییر با توجه به اینکه پیش بینی تمام عوامل موثر بر پروژه نفتی کاری دشوار و در مواردی غیرممکن میباشد میتوان از شیوه قرارداد ناتمام در این زمینه استفاده نمود. بدین صورت که در ابتدا در مورد اصول کلی و شروط اساسی که قابل ارزیابی و پیشبینی می باشند توافق نموده و در مواردی که تردید وجود داشته و امکان پیشبینی هزینه ها و قیمت ها نباشد در زمان مقتضی مذاکره مجدد نموده و توافق نهایی را منعقد نمایند.
۴. طرفین قراردادهای بالادستی نفتی می توانند برای رهایی از ریسک های ناشی از نوسان های ناخواسته متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ ارز و نرخ بهره که از بین بردن یا کنترل آنها در توان شرکت سرمایه گذار خارجی نمی باشد و جلوگیری از اثرات سوء آنها از خدمات بیمه استفاده نموده و با پرداخت حق بیمه این ریسک را به شرکت بیمه انتقال دهند.

منابع

امانی، مسعود. ۱۳۹۳. حقوق قراردادهای بین المللی نفت، تهران: دانشگاه امام صادق.

ابراهیمی، سید نصرالله و محمد شیریحیان. ۱۳۹۳. "قراردادهای بالادستی نفت و گاز نظام جمهوری اسلامی ایران و تبیین دلالت‌های قانونی و الزامات قراردادهای جدید"، اقتصاد انرژی ایران ۱۰: ۱-۳۹.

اخلاقی، بهروز و اسدالله صحرانورد. ۱۳۹۲. "بررسی ماهیت حقوقی بیع متقابل نفتی ایران و سازگاری آن با پیمان منشور انرژی"، فصلنامه حقوق ۳: ۱-۱۸.

زمانی، سید قاسم و به آذین حسینی، مترجم. ۱۳۹۱. اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری. نوشته دالرز، رودلف و کریستف شروثر، تهران: شهر دانش .

محبی، محسن. ۱۳۹۳. مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو رویه داوری بین‌المللی: سلب مالکیت و غرامت در قراردادهای نفتی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش .

هاشمی، سید محمد. ۱۳۹۱. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی، تهران: میزان .

الیاسی، مرتضی. ۱۳۸۲. "حقوق سرمایه‌گذاری خارجی؛ غرامت ناشی از فسخ یا نقض قراردادهای دولت با بیگانگان"، مذاهب و عرفان ۷۰: ۳۵-۴۶.

ایران پور، فرهاد. ۱۳۸۲. "نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی دولت"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران) ۶۲: ۵۳-۹۰.

- A Guide to Project Management Body of Knowledge (PMBOK).2013. Project Management Institute, Pennsylvania:Newtown Square.
- Pritchard, Carl L. 2015. Risk Management: Concept and Guidance, Taylor & Francis Group.
- Barners, Martin. 1983. "How to Allocate Risks in Construction Contracts", International Journal of Project Management 1(1): 24-28.
- 271 -Kolo, Abba & Thomas W. Walde. 2000. "Renegotiation and Adaptation in International Investment Projects: Applicable Legal Principles and Industry Practices", The Journal of World Investment & Trade 1(1): 5- 57.